

مقدمه

نظام‌های حقوقی در سامان‌دهی قوانین انتخاباتی بر آن هستند تا حد امکان ضمن تأمین اصل شایسته‌گزینی، نقش مردم را در گزینش سرنوشت خود تضمین کنند. «انتخابات ریاست جمهوری» یکی از اصلی‌ترین انتخابات یک کشور با ساختار ریاستی یا نیمه‌ریاستی است. در جمهوری اسلامی رئیس جمهور مهم‌ترین مقام اجرایی پس از مقام رهبری بوده، از جایگاه مهمی برخوردار است و مقطع انتخاب او به‌عنوان یکی از مقاطع تأثیرگذار، به ایجاد سامان قانونی نیاز دارد. به این منظور قانون انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید؛ اما وجود مسائل و خلأهایی باعث شد تا در طی ادوار مختلف تقنینی تلاش‌های بسیاری برای اصلاح این قانون به عمل آید و در میانه طرح‌ها و لوایح مختلف تنها شش مرتبه تیر اصلاح این قانون به هدف اصابت کرد.^۱

به‌تازگی در آستانه انتخابات دوره سیزدهم ریاست جمهوری، گروهی از نمایندگان طرحی ارائه و اصلاح این قانون را پیشنهاد کرده‌اند؛ اما این طرح ایرادات بسیاری داشته و علی‌رغم داشتن مزایای حداقلی، انتقادات بسیاری را برانگیخته است. از سوی دیگر، قوه مجریه تصویب لایحه جامع انتخابات را پیشنهاد می‌کند و به این طریق تلویحاً نمایندگان راز پیگیری طرح اخیر برحذر می‌دارد. مسئله اصلی گزارش حاضر این است که «طرح پیشنهادی مجلس تا چه اندازه می‌تواند معضلات نظام انتخابات را رفع کند». در پاسخ به این مسئله در بخش نخست خلأهای موجود در قانون انتخابات ریاست جمهوری تبیین می‌گردد و در بخش دوم به مزیت‌های طرح پیشنهادی و نحوه اصلاح خلأها و نواقص آن اشاره می‌شود.

نواقص قانون انتخابات ریاست جمهوری

نظام انتخابات ریاست جمهوری نواقصی دارد که برخی از آغاز وجود داشته و برخی دیگر با گذشت زمان ظاهر شده‌اند.

۱. ابهام در معیارهای احراز صلاحیت

«معیارهای احراز صلاحیت نامزد ریاست

۱- سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۲ (دوم‌رتبه)، ۱۳۸۵، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲

جمهوری» که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی تصریح و عیناً در ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری تکرار شده، از جمله ایراداتی است که از آغاز با این نظام عجین بوده است. این معیارها تا حدی واجد ابهام است و موجب می‌شود، اعمال تفاسیر و سلاقی شخصی در جریان احراز صلاحیت داوطلبان محتمل باشد و موجب شود بسیاری از افراد با ملاحظه این شرایط و با استنباطی حداقلی از آن، خود را واجد صلاحیت و محق برای داوطلب شدن بپندارند. حجم افرادی که با آغاز جریان انتخابات توسط وزارت کشور برای ثبت‌نام به این مرجع هجوم می‌آورند، مؤید این مطلب است. رویه‌ای که از یک‌سو موجب مضحکه رسانه‌های داخلی و خارجی شده و از سوی دیگر به این علت که شورای نگهبان بیشتر این داوطلبان را رد صلاحیت می‌کند، دستاویزی برای ارائه تصویری مستبدانه از نظام جمهوری اسلامی توسط معاندین می‌شود؛ تصویری که انگاره طرف‌داری نهاد احراز‌کننده صلاحیت‌ها را در اذهان تقویت و وجهه مردم‌سالارانه جمهوری اسلامی را خدشه‌دار می‌کند. این موضوع در عمل نیز شورای نگهبان را در معرض مشکلاتی قرار می‌داد؛ حجم بالای تعداد ثبت‌نام‌کنندگان موجب می‌شد شورای نگهبان عملاً از بررسی دقیق داوطلبان در مهلت محدود قانونی ناتوان باشد. در راستای اصلاح این رویه تلاش‌هایی صورت گرفت؛ اما به نتیجه مطلوب نینجامید که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲. نبود ضمانت اجرای ارائه مدارک جعلی یا غیرمعتبر

نبود ضمانت اجرا در فرض ارائه مدارک جعلی یا غیرمعتبر مشکلی است که شورای نگهبان تنها در بازه زمانی ثبت‌نام تا اعلام نتایج می‌تواند درباره آن اظهار نظر کند و پس از آن فقط دیوان عالی کشور است که مطابق اصل ۱۱۰ صلاحیت رسیدگی به اتهام جعلی یا غیرمعتبر بودن مدارک را دارد.

۳. نبود قواعد تنظیم‌کننده تبلیغات انتخاباتی

نبود قواعد تنظیم‌کننده تبلیغات انتخاباتی خصوصاً با ظهور بستر و ابزارهای جدید تبلیغاتی دیگر خلأ قوانین انتخاباتی است. با ظهور این فناوری‌های ارتباطی تبلیغات نامزدها از

۹۹ نبود قواعد تنظیم‌کننده تبلیغات انتخاباتی خصوصاً با ظهور بستر و ابزارهای جدید تبلیغاتی دیگر خلأ قوانین انتخاباتی است. با ظهور این فناوری‌های ارتباطی تبلیغات نامزدها از حوزه‌های سنتی به این بسترها نقل مکان کرده است و ضرورت دارد نظام انتخاباتی درباره این حوزه نیز قواعدی مقرر کند؛ ولی در طرح اخیر به این نقیصه توجه نشده است. ۶۶

حوزه‌های سنتی به این بسترها نقل مکان کرده است و ضرورت دارد نظام انتخاباتی درباره این حوزه نیز قواعدی مقرر کند؛ ولی در طرح اخیر به این نقیصه توجه نشده است.

پیشینه اصلاحات در قانون انتخابات ریاست جمهوری

از آغاز تصویب قانون انتخابات ریاست جمهوری تا به امروز تلاش‌های زیادی برای اصلاح این قانون صورت گرفته، اما تنها بخشی از آن‌ها نتیجه داشته است. یکی از طرح‌های پیشنهادی اصلاح قانون انتخابات در سال ۱۳۸۷ ارائه شد که به موجب آن مقرر شده بود داوطلبان برای ثبت‌نام علاوه بر داشتن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر یا معادل حوزوی آن، باید سابقه تصدی در منصب خاصی را هم داشته باشند. در بخش دیگر طرح، بازه سنی مشخصی (۴۵ - ۷۵ سال) برای داوطلبان در نظر گرفته شده بود. شورای نگهبان در مقام بررسی اساسی این طرح، نفس تعیین شرایط را مغایر «بند ۹» اصل ۱۱۰ و این شرایط را موجب تضییق مندرجات اصل ۱۱۵ دانسته است. علاوه بر این، شرط سابقه تصدی مناصب خاص را مصداق تبعیض ناروا تلقی و آن را مغایر بند ۹ اصل ۳ اعلام کرده است. این طرح و واکنش شورای نگهبان نسبت به آن، در پیش‌بینی سرانجام طرح اخیر مجلس در دوره یازدهم قابل توجه است.

طرح دیگر در سال ۱۳۹۱ ارائه شد که در صورت تصویب آن داوطلب شدن بسیاری از مقامات منوط به استعفای آن‌ها شش ماه پیش از ثبت‌نام شده بود. پیش‌بینی چنین موضوعی به